

1

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
Bismillah al rahman al rahim

# کاربرد هنر در آموزش عربی

## فصل اول



لیلا خردمندی

دانشگاه فرهنگیان شوی

سواد عموماً معنای خواندن و نوشتن است. به عبارت دیگر، فرد باسواد به کسی اطلاق می شود که بتواند با استفاده از زبان مکتوب، مقصود و معنای مورد نظر خود را به دیگران القا کند. بنابراین، باید در یک مفهوم وسیع تر سواد را وسیله بده و بستان معنی تلقی کرد.

بدین ترتیب، چنانچه بخواهیم سواد را به گونه ای گسترده تر از آنچه رایج و مرسوم است تعریف کنیم، باید بپذیریم که سواد عبارت است از قابلیت رمزگشایی و رمزگردانی معنا و مفهوم، صرف نظر از قالب اجتماعی یا نظام نمادینی که با استفاده از آن ابراز شده است.

---

با سواد بودن در حوزه ادبیات یعنی قادر بودن به تفسیر و استنباط معنا و مقصود از قالب های ادبی که کاملاً متفاوت است با توانایی و مهارت خواندن و فهمیدن علمی، که بیان عاری از ابهام در دستور کار آن است. در این میان، این نکته بسیار مائز اهمیت است که قالب های زبانی متفاوت هر کدام معرف نوع خاصی از شناخت، معرفت و دانستن هستند. به دیگر سخن، همانگونه که برونر مطرح کرده است، قالب های متفاوت به کارگیری زبان کاربرد های معرفتی متفاوتی دارند و شناخت های متفاوتی را به ارمغان می آورند.



به سواد باید به گونه ای فراتر از مد یا قالب زبان نگریست؛ چرا که نظام های بده و بستان یا مبادله معنا که توسط انسان ابداع شده اند به هیچ عنوان محدود به زبان نیستند. معنا، همچنین، از طریق قالب های بصری که آنها را هنر های تجسمی مینامیم، مانند معماری، نقاشی، طراحی، مجسمه سازی یا هنر های نمایشی همچون موسیقی، تئاتر و رقص نیز ابراز شده است. لذا با سواد شدن به معنای وسیع کلمه، کیفیت

---

یا قابلیت است که به فرد امکان می دهد تا به معانی و مفاهیم ابراز شده از طریق "نظام های معنا سازی" گوناگون، دسترسی پیدا کند. در نظام های آموزشی هم وجهه همت نباید منحصر با سواد کردن دانش آموزان به معنای دستیابی آنان به مهارت های ناظر به طیف محدود از نظام های معنا سازی یا مبادله معنا باشد؛ بلکه لازم است با در نظر گرفتن طیف وسیع و دامنه حقیقی این نظام ها و جایگاه و اهمیت و کارکرد ویژه هر کدام، کوشش شود نسل جدید از توان مشارکت در خلق قالب های متنوع تولید شناخت و معنایی بهره مند شود که در طول تاریخ توسط ابنای بشر ابداع شده اند، از رویارو شدن با آنها لذت ببرد و بتواند از آنها معنا و شناخت استخراج و استنباط کند.

---

زبان نوعی خاص از قالب بخشیدن به کیفیت های احساس و ادراک شده از جهان خارجی است. به عبارت دیگر، معنای مستتر در واژه ها به ادراک و احساس ما از پدیده خارجی وابسته است. بدین ترتیب، زبان را باید اجمالا در مکتب نقشه ای از جهان خارج دانست که انسان به دنبال احساس و ادراک آن را تصور می کند.

یکی از کارکرد های منحصر به فرد هنر و هنرمند جلب توجه به اهمیت پرورش یا ژرفا بخشیدن به ادراکات حسی، دریافت اختصاصات و وجوه یگانه پدیده ها - نه وجه مشترک آن با پدیده های متعلق به یک طبقه- و غنا بخشیدن به تصویر برآمده از آن است. هم چنین زبان فقط یک نمونه

---

فاصله از شکل بخشیدن به تصورات ناشی از ادراکات حسی و مقید و مجسم کردن این تصورات است و نباید آن را شکلی یگانه و منحصر به فرد قلمداد کرد. هنرمندان نیز ادراکات حسی و تصویر ذهنی ناشی از آن را با استفاده از قالب ها و شکل های دیگر عینیت می بخشند. لذا، تفاوت کار هنرمند با غیر هنرمند در استفاده از رسانه، شکل یا قالب های متفاوت برای غنی ساختن و انتقال تصورات و تجارب به دیگران است و برفورد تبعیض آمیز و گزینشی نظام های آموزشی با آنها را به غایت بی معنی جلوه می دهد.

## دلایل ضرورت توجه نظام های آموزشی به سواد در معنای گسترده ای

۱) تنوع و عمق بخشیدن به کسب معنا توسط انسان در سراسر زندگی به قول نلسون گودمن "به تعداد راه هایی که برای توصیف جهان وجود دارد، جهان وجود دارد."

۲) پرورش قابلیت ها و استعداد های شناختی (ذهنی) دانش آموزان

۳) دستیابی به عدالت آموزشی / برابری فرصت های آموزشی